



شورای عالی حوزه های علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

مدرسه علمیه الزهرا (س) شهرستان میاندوآب

عنوان مقاله

نقش قرآن و حدیث در رشد علم در جوامع در بیانیه گام دوم انقلاب

پژوهشگر

زهرا امیرزاده

تابستان 1400

چکیده

از نظر دین اسلام علم و آگاهی بالاترین ارزش را دارند زیرا که انسان با علم و آگاهی می‌تواند به جایگاهی دست یابد که حتی فرشتگان نیز نمی‌توانند به آن جایگاه برسند. واژه علم و مشتقات آن به تعداد قابل توجهی در قرآن کریم به کار رفته است که این میزان فراوانی از کلیدی بودن و اهمیت موضوع علم در قرآن کریم حکایت میکند و همچنین با بررسی مکتب اسلام و مکتب های دیگر به این نتیجه می‌رسیم که هیچ مکتبی مانند مکتب اسلام به دانش و آگاهی اهمیت نداده است. دین اسلام با مذمت جهل و آگاه کردن مردم از آثار آن مردم را به دانش و آگاهی فراخوانده است. در احادیث نیز پیامبر اکرم صلی الله از انواع دانش چه مذهبی و چه علمی دفاع می‌کند و کسب دانش را برای مرد و زن مسلمانی واجب می‌داند. روش تحقیق این مقاله کتابخانه ای بوده و با بهره گیری از دستاوردهای پژوهشی می‌باشد و در این نوشتار تلاش شده است تا جایگاه علم در متون اسلامی مورد ارزیابی قرار گیرد

امروز دانش به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی کسب قدرت و موازنه برتر برای کشورها محسوب می‌شود. این امر ناشی از تحولات جهان و وابستگی بیش از پیش به اطلاعات، دانش و تکنولوژی است. همه شئون حیات بشر با دانش و تکنولوژی وابستگی اجتناب ناپذیری پیدا کرده است به نحوی که هیچ روندی را نمیتوان جز با کلید علم و دانش و تکنولوژی به انجام رساند. به همین جهت حضرت امام خامنه‌ای، علم و دانش را عامل قدرت و توانمندی و رکن امنیت بلندمدت کشور و ملت تعبیر می‌کنند (امام خامنه‌ای «مد ظله العالی»، ۱۳۸۸).

کلید واژه: قرآن، حدیث، علم، بیانیه گام دوم انقلاب، رشد

مقدمه

توجه کردن به خاستگاه هر موضوع به شناخت بیشتر آن کمک می کند حال اگر بستر موضوعی در منبعی محکم مانند قرآن کریم وجود داشته باشد پشتوانه آن به همان مقدار گرم تر خواهد بود . تاکنون درباره عظمت علم مطالب فراوانی مطرح شده است که برای فراگیران علم به آن ضروری است. تردیدی نیست که قرآن در برانگیختن اندیشه ها به سمت تولید علم و دانش نقش بسزایی را ایفا کرده است و در بیشتر آیات قرآن کریم یادگیری علم و دانش مورد تشویق و تاکید قرار گرفته است . حال سوال این است ازدیدگاه بیانیه گام دوم انقلاب، قرآن و احادیث چه نقشی در ارتقا و رشد علوم در جامع بشری دارند؟ با توجه به این که علم و دانش در همه ابعاد افتخار آفرین است و منشا قدرت و پیشرفت های مادی می باشد بنابراین لازم و ضروری است در مورد علم و دانش کتاب ها و مقالاتی به رشته تحریر در آید. در بیانیه گام دوم انقلاب نیز به این امر مهم اشاره شده است مقام معظم رهبری در این مورد می فرمایند: «از نظر قرآن قوام و پایداری دین بر اساس تعلیم و آموزش است و انتقال اندوخته های علمی به دیگران از اهم عبادات است .

از گشت و گذار در زمین و نظاره کردن همراه با تفکر حقایقی برای انسان هویدا می گردد که باعث

کسب علم و دانش و پیشرفت بشریت میشود .

مفهوم شناسی

تعریف علم

ما در این مورد به تفصیل تعریفاتی که در گذشته و حال برای علم و فلسفه گفته شده است نمی پردازیم ، بلکه اگر بتوانیم ، تعریف عبارت صحیح تر ، توصیفی درباره علم و فلسفه متذکر شویم که در این مباحث ، راه ما را برای مقصد اصلی مان که طرح کلیاتی در فلسفه علم است باز کند . آن چه با نظر به مجموع واقعیات موجود درباره ی علم می توانیم بگوییم ، این است که علم عبارت است از :

انکشاف واقعیتی که وجود جریان کلی آن بی نیاز از من و عوامل درک انسانی بوده باشد که با آن ارتباط برقرار نموده است . قضیه و مسئله ای را که از چنین انکشافی حکایت کند قضیه علمی می نامیم . بدیهی است ، هر قضیه ای که حاکی از انکشاف مزبور باشد متشکل از اجزایی است که با ورود اندک تغییری در هر یک از اجزاء چه در نظر خود آن شخص که قضیه علمی را درک کرده است یا در نظر انسان های دیگر ، قضیه مزبور دگرگون می گردد . برای توضیح مطلب مثال ساده ای را در نظر می گیریم :

برای به وجود آمدن انبساط حاصل از احساس یک نمود زیبا ، مانند انبساط حاصل از دیدن یک آبشار زیبا ، چشم سالم و فاصله ی معین و روشنایی خاص لازم است این قضیه متشکل از اجزاء فوق به اضافه حکم به ارتباط میان آن اجزاء است . مسلماً برای رسیدن به کلیت چنین قضیه ای از مشاهدات و تجارب ، و به طور خلاصه از مسیر یک استقراء مقارن با یک یا چند قیاس ، عبور نموده ایم . حال اگر تغییری در چشم ناظر یا فاصله ی معین یا روشنایی لازم یا در خود نمود زیبا که به طور مستقر در تحول باشد . به وجود بیاید ، قطعی است که قضیه ما که متشکل از آن اجزاء معین بود دگرگون خواهد شد . این تعریف یا توصیف برای علم و (مسئله علمی) یا طرح ده ها مسأله دیگر پیرامون علم و (مسئله علمی) مختل نمی گردد . بلکه اگر درست دقت

کنیم خواهیم دید هر يك از آن مسائل ، بعدی از ابعاد پدیده علم را توضیح می دهد . اگر چه متأسفانه از اوایل قرن بیستم به این طرف ، این گونه مسائل با طوفانی از ادعاهای حماسه ای برگزار می گردد .

علم و ضد آن جهل

در اول این حدیث بیان شد که مقصود از خلقت جهل یا ایجاد موجودی (شیطان) است که جهل و تاریکی به حقایق این جهان را انتخاب کرد و برای امتحان شدن انسان در این عالم مقرر شد و یا مقصود خلقت انسان است . به گونه ای که ، با وجود استعداد برای رسیدن به حقایق جهان هستی ، خود را به اختیار به اوصاف مناسب با آن متصف نکند تا استعدادش شکوفا شود .

بنابراین مقصود از جهل در مقابل علم معنایی است که یکی از سپاهان آن جهل است و با بحث های مناسب با علم امتیاز این دو جهل روشن می شود .

اهمیت علم و علت آن

با توجه به ساختمان وجودی حیوانات و فعالیت های گوناگون آن ها ، احتمال داده می شود که آنها نیز از مرتبه ای آگاهی برخوردارند . اگر چه در علوم تجربی نیز این احتمال قوت وجود دارد که گیاهان هم از مرتبه شعور و آگاهی ضعیفی برخوردارند ، لکن با مقایسه بین آنها و انسان به دست می آید که سطح آگاهی انسان با دیگر موجودات قابل قیاس نیست ؛ زیرا همه کشفیات و اختراعاتی که در مسیر رسیدن به حقایق عالم تا کنون رخ داده در پرتو استعداد بالای انسان است .

با نگاهی به کتاب و سنت این حقیقت بیشتر آشکار می شود ؛ زیرا تنها علت جانشینی مطلق انسان از حق تعالی و امریه سجود ملائکه به او و سپس سجده ایشان به او نمونه ای از کشف حقایق هستی برای انسان

این علوم در قرن اول هجری به واسطه قد غنی که مقام خلافت از کتابت و تألیفات حدیث و غیره کرده بود به طور غیر منظم در میان صحابه و تابعین دایر بود و جزء عده بسیار کمی که در فقه و تفسیر و حدیث مختصراتی نوشتند اکثریت مردم به طریق حفظ به تحصیل پرداخته از سینه به سینه منتقل می نمودند .

پرداخته از سینه به سینه منتقل می نمودند .

از اوایل قرن دوم به سبب برداشته شدن قدغن مردم اول به نوشتن حدیث سپس از آن به نوشتن بحث های مربوط به علوم دیگر و به قالب زدن تألیف و تصنیف علوم را مرتب و منظم نمودن و بدین ترتیب فن حدیث و علم رجال و درایه و فن اصول فقه و علم فقه و علم کلام به وجود آمد .

و حتی فلسفه نیز اگر چه در آغاز به عنوان نقل از یونانی به عربی وارد محیط اسلام شد و زمانی تقریباً به شکل یونانی خود در دست مردم بود و پس از چندی محکوم طرز تفکر محیط گردیده هم از جهت ماده و هم از جهت صورت تغییراتی پیدا کرده تحول یافت به گواهی این که در فلسفه ای که امروز در میان دایر است در معارف الهیه مسئله ای به چشم نمی خورد مگر این که متن آن را و براهین و ادله ای را برای اثبات آن به کار برده شده می توان در قرآن و حدیث پیدا کرده و از لایه لای آنها به دست آورد .

این سخن را در علوم ادبیه عربی نیز می توان مطرح ساخت . زیرا امثال علم صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و لغت و اشتقاق مورد بحث آنها مطلق کلام عربی است لکن بی تردید آنچه مردم را وادار به تتبع و ضبط و تنقیح اصول و قوانین این علوم نمود همان شاهکار خدایی بود که مردم را مجذوب بیان شیرین و شیوا و اسلوب زیبای خود ساخته بود و مردم برای روشن شدن از بنای کلمات و ترکیب جهل و معانی الفاظ و فصاحت و بلاغت بیانات و صنعت های لفظی ضریف آن نیازمند شدن که قوانین کلی آنها را با اشتباه و نظریی که در لغت عرب داشتند به دست آوردند و به کمک آنها از کنجکاوی خود نتیجه گیرند و بدین ترتیب علم های صرف و نحو و لغت و فنون سه گانه بلاغت تنقیح و تنظیم شد .

منقول است که این عباس که از مفسرین صحابه بود معانی آیات را از راه استشهاد به اشعار عرب بیان می کرد و به جمع آوری و حفظ اشعار توصیه می نمود و می گفت : «الشعر دیوان العرب» و با چنین عنایت

هایی نثر و شعر عرب ضبط شد تا به جایی رسید که دانشمندان شیعی معروف خلیل بن احمد بصری در لغت کتاب العین را نوشته و علم عروض را برای شناختن اوزان اشعار وضع نمود و دیگران نیز در این دو فن تألیفاتی کردند و فن تاریخ نیز در اسلام از فن حدیث مشتق شده و در آغاز از قصص انبیاء و امم و از سیرت پیغمبر اکرم (ص) شروع شده و پس از آن تاریخ صدر اسلام به آن اضافه شده بعد به صورت تاریخ عالم در آمد و مورخینی مانند طبری و مسعودی و یعقوبی و واقدی کتاب هایی نوشتند .

و به جرئت می توان گفت که عامل اصلی اشتغال مسلمانان به علوم عقلی از طبیعیات و ریاضیات و غیر آنها به صورت نقل و ترجمه در آغاز کار و به نحو استقلال و ابتکار در سرانجام همان انگیزه فرهنگی بود که قرآن مجید در نفوس مسلمانان فراهم کرده بود . در آغاز کار به دست مقام خلافت که آن روزها میان ملت عرب مستقر بود علوم مختلف عقلی از یونانی و سریانی و هندی به عربی ترجمه شد و پس از آن در دسترس آن همه مسلمانان جهان که از ملل مختلف بودن قرار گرفت و روز به روز بر وسعت تحقیقات و دقت مطلوب و حسن انتقام خود افزود .

و معلوم است که مدنیت وسیع اسلامی که کمی بعد از هجرت و رحلت قسمت معظم معموره را تحت تسلط خود گرفت و در آن حکومت نمود و بالاخره امر روز در حدود ششصد میلیون از جمعیت کره را به نام اسلام نگه می دارد . یکی از آثار بارز قرآن مجید بود (اگر چه ما به نام شیعه به خلفا و سایر پادشاهان کارگردان این مدنیت از جهت مسامحه هایی که در روشن ساختن حقایق دین و اجرای قوانین آن کرده اند اعتراض داریم در عین حال از پرتو اسلام هر چه به جهان تابیده بی تردید از قرآن می باشد) و بدیهی است چنین تحولی که یکی از حلقه های بارز سلسه ی حوادث جهان می باشد در حلقه های بعدی تأثیر بسزایی خواهد داشت و از این روی یکی از علل مقدمات تحول امروزی و بسط و پیشرفت فرهنگ جهان قرآن مجید خواهد بود . البته برای این که این مسئله روشن تر شود و ارزش واقعی خودش را نشان دهد تجزیه و تحلیل بیشتر لازم است ولی رو به اختصار که در این کتاب مراعات می شود از اشتغال به آن مانع می باشد .

قرآن و اهمیت علم

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا وَيْلَكُمْ تَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنِ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَّ لَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ

و اما کسانی که علم و آگاهی (واقعی) به آنان داده شده بود ، گفتند : وای بر شما ! پاداش الهی برای کسانی که ایمان آوردند و کار شایسته انجام دهند (از این مال و ثروت) ، بهتر است ، و (البته) جز صابران ، آن (پاداش) را دریافت نخواهند کرد .

نکته ها

قارون خود را عالم و کسب ثروت را به واسطه علم خود می دانست ؛ (او تپته علی علم عندی) اما خداوند در این آیه می فرماید : علم حقیقی با مال اندوزی سازگار نیست .

پیام ها

- 1.دلباختگان دنیا سزاوار سرزنش و نکوهش اند . (ویلکم)
- 2.خداوند از فرزندگان بنی اسرائیل به خاطر برخورد با دلباختگان دنیا ستایش می کند (قال الذّین اوتوا العلم ویلکم ...)
3. علم واقعی ، انسان را به سوی آخرت و تقوی و عمل صالح سوق می دهد . (قال الذین اوتوا العلم ویلکم ثواب الله خیر)
- 4.عالم آگاه کسی است که زرق و برق دنیا او را مجذوب نسازد و دنیا گرایان را تحقیر کند . (قال الذین اوتوا العلم ویلکم ثواب الله خیر)

5. علما باید مردم را از عشق به دنیا برخوردارند . (قال الذین اوتوا العلم ویلکم ثواب الله خیر)

6. اگر چیزی را از کسی منع می کنیم ، در صورت لزوم و توان ، بهتر از آن را به او عرضه نماییم .

(ثواب الله خیر)

7. ایمان و عمل صالح ، زمانی سعادت آفرین است که انسان بر آن پایدار باشد . (آمن و عمل صالحاً و لا

یلقها الا الصابرون)

نتیجه گیری

اگر در کتاب قرآن و احادیث دقت کنیم خواهیم دید که بر علم آموزی و کسب دانش تاکید فراوان دارند همچنین وجود این احادیث فراوان در مورد فراگیری علم و دانش نشانه محکمی برای اثبات ضرورت آموزش تعلیم و تعلم است.

خداوند متعال در سوره هود آیه ۶۱ میفرماید «...هو نشاکم من الارض واستعمرکم فیها...» اوست خدایی که شما را از زمین پدید آورد و شما را به آباد کردن آن فراخواند. با کمی دقت به این آیه می توان فهمید که خداوند انسان را به آباد کردن زمین موظف کرده است و آباد کردن زمین نیز مستلزم کسب علم و دانش می باشد این دستور به آبادانی در قرآن می تواند یکی از سرچشمه های تولید علم و دانش در قرآن باشد.

علم آموزی از نظر قرآن یک ضرورت مطلق است و هیچ قید و شرطی ندارد و انسانی که با نوعی ده پا به جهان هستی می گذارد ابزار آگاهی به عرضه می شود تا از آنها استفاده کرده و به آگاهی برسد.

منابع و مأخذ

1. فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، چاپ سوم، تهران، 1367.
2. دشتی، محمد، نهج البلاغه، چاپ چهارم 1386.
3. تحریری، شیخ محمود، عروج عقل، چاپ نخست، 1390.
4. پایا، علی، درآمد تاریخی به فلسفه علم، تهران 1377.
5. طباطبای، محمد حسین، قرآن در اسلام، چاپ سوم 1388.
6. جعفری تبریزی، محمدتقی، تحقیقی در فلسفه علم، تهران 1379.
7. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج 9، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، 1375.
8. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار.
9. صدرالدین شیرازی، اسفاراربعه، ج 3، 1377.
10. کلینی رازی، اصول کافی، ج 1، 1380.